توافق آمریکا و ونزوئلا، مؤلفه‌ای تاثیرگذار بر آینده نظم انرژی جهان است؛

کاراکاس؛ و بازی واشنگتن بر سر ۶۵ میلیارد بشکه نفت!

رامین پرنو

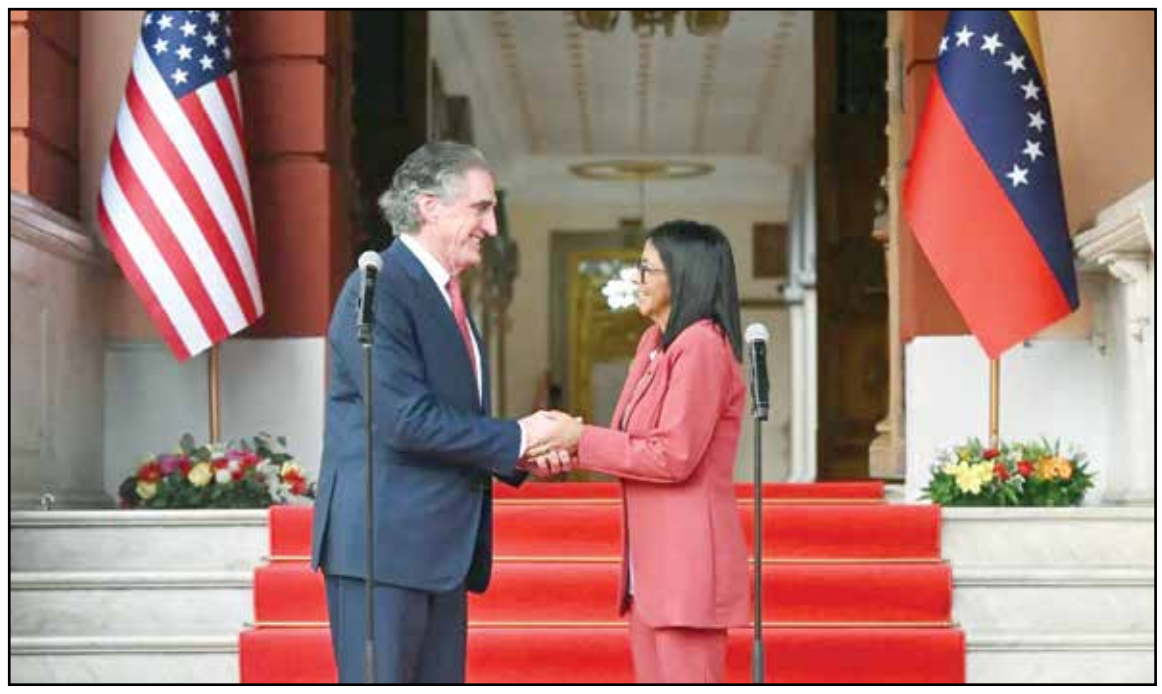

تحول تازه در مناسبات واشنگتن و کاراکاس را باید فراتر از یک قرارداد نفتی معمولی دید. توافقی که دونالد ترامپ آن را «بزرگ‌ترین معامله نفتی تاریخ» خوانده، در شرایطی اعلام شده که ایالات متحده پس از برکناری و انتقال نیکولاس مادورو به نیویورک، عملاً ساختار سیاسی ونزوئلا را دگرگون کرده و اکنون در پی تثبیت نفوذ اقتصادی خود در این کشور است. بر اساس اعلام واشنگتن، آمریکا از طریق مشارکت با بخش خصوصی، کنترل اکثریت منافع مرتبط با بیش از ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده ونزوئلا را به دست می‌آورد. دلسی رودریگز، رئیس‌جمهور موقت، اما تأکید دارد که مالکیت و حاکمیت ونزوئلا بر منابع طبیعی حفظ خواهد شد و توافق برای ۲۵ سال، توسعه ۱۷ میدان نفتی و افزایش تولید به بیش از یک‌ونیم میلیون بشکه در روز را دنبال می‌کند. جزئیات حقوقی و مالی توافق هنوز کاملاً روشن نیست و آینده سیاسی کشور.

نفت؛ محور بازگشت ونزوئلا به اولویت واشنگتن

اهمیت نخست این توافق، در ابعاد عظیم ذخایر ونزوئلا و جایگاه آن در امنیت انرژی آمریکا نهفته است. ونزوئلا حدود ۳۰۳ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده دارد و اگرچه تولید کنونی آن تنها حدود ۱.۲۵ میلیون بشکه در روز است، اما ظرفیت بالقوه این کشور بسیار بیشتر از سطح فعلی است. سال‌ها سوءمدیریت، تحریم، فرسودگی زیرساخت‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، صنعت نفت ونزوئلا را از اوج تاریخی خود دور کرده است. بنابراین آنچه واشنگتن اکنون به دنبال آن است، صرفاً خرید نفت نیست؛ بلکه ایجاد دسترسی بلندمدت به منبعی عظیم و بازسازی ظرفیت تولید آن تحت چارچوبی است که منافع آمریکا را در اولویت قرار دهد.

این موضوع برای آمریکا از چند جهت اهمیت دارد. نخست، پالایشگاه‌های بسیاری در سواحل آمریکا برای نفت سنگین و ترش ونزوئلا طراحی شده‌اند؛ در حالی که بخش بزرگی از نفت تولیدی آمریکا سبک‌تر و شیرین‌تر است. بازگشت نفت ونزوئلا می‌تواند ترکیب خوراک پالایشگاه‌های آمریکایی را بهینه کند. دوم، واشنگتن در پی افزایش ذخایر راهبردی نفت خود است؛ ذخایری که اکنون در پایین‌ترین سطح چند دهه اخیر قرار دارند. سوم، افزایش عرضه ونزوئلا می‌تواند در بلندمدت به کاهش فشار بر بازار انرژی آمریکا کمک کند، هرچند اثر فوری آن بر قیمت بنزین بعید است، زیرا احیای صنعت نفت این کشور به سرمایه‌گذاری سنگین و چند سال زمان نیاز دارد.

اهمیت ژئوپلیتیکی توافق حتی از اهمیت اقتصادی آن بیشتر است. آمریکا با تثبیت حضور مستقیم در بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان، نفوذ خود را در آمریکای لاتین افزایش می‌دهد و همزمان فضای مانور رقبایی مانند چین و روسیه را محدود می‌کند. در سال‌های گذشته، چین یکی از شرکای مهم نفتی و اقتصادی ونزوئلا بوده و شرکت‌های چینی در برخی پروژه‌های نفتی این کشور حضور داشته‌اند. اکنون واشنگتن در حال تغییر موازنه‌ای است که سال‌ها در آن کاراکاس برای کاهش فشار آمریکا به سمت پکن و مسکو متمایل شده بود.

> **ونزوئلا حدود ۳۰۳ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده دارد و اگرچه تولید کنونی آن تنها حدود ۱.۲۵ میلیون بشکه در روز است، اما ظرفیت بالقوه این کشور بسیار بیشتر از سطح فعلی است. واشنگتن به دنبال ایجاد دسترسی بلندمدت به منبعی عظیم و بازسازی ظرفیت تولید آن تحت چارچوبی است که منافع آمریکا را در اولویت قرار دهد**

چرا ونزوئلایی‌ها معترض‌اند؟

اعتراض‌ها در کاراکاس، در نگاه نخست ممکن است متناقض به نظر برسد. کشوری که با بحران اقتصادی، کمبود زیرساخت و کاهش تولید نفت روبه‌روست، به سرمایه و فناوری خارجی نیاز دارد و توافق با آمریکا می‌تواند منابع مالی قابل توجهی ایجاد کند. دلسی رودریگز می‌گوید این توافق می‌تواند حدود ۲۰۹ میلیارد دلار درآمد برای دولت ونزوئلا ایجاد کند و نزدیک به ۱۹ دلار از هر بشکه تولیدشده و فروخته‌شده مستقیماً به کشور بازگردد. با این حال، مسئله اصلی معترضان، اصل سرمایه‌گذاری خارجی نیست؛ بلکه ماهیت رابطه جدید با واشنگتن و نحوه توزیع منافع آن است.

بر این اساس بخش مهمی از جامعه ونزوئلا این توافق را ادامه وابستگی تاریخی کشور به قدرت‌های خارجی می‌داند.

برای این گروه، اینکه آمریکا پس از برکناری مادورو و حضور نظامی در ونزوئلا اکنون به کنترل بخش بزرگی از منابع نفتی دست پیدا کند، این تصور را ایجاد می‌کند که تغییر سیاسی در کاراکاس بیش از آنکه به دموکراسی و رفاه مردم مربوط باشد، به بازتوزیع قدرت و ثروت نفتی مربوط بوده است. منتقدان می‌پرسند اگر هدف اصلی آمریکا حمایت از مردم ونزوئلاست، چرا مهم‌ترین نتیجه سیاسی سقوط مادورو، واگذاری امتیازات گسترده انرژی به شرکت‌ها و منافع آمریکایی است؟

از سوی دیگر، بحران اعتماد نیز بسیار عمیق است. رودریگز و دولت موقت تلاش می‌کنند توافق را تاریخی و حافظ حاکمیت معرفی کنند، اما مخالفان می‌گویند دولتی که مشروعیت انتخاباتی آن محل بحث است، نباید بتواند قراردادهایی با آثار چند دهه‌ای بر منابع ملی امضا کند. حتی گزارش‌هایی درباره اجاره‌های بسیار بلندمدت، نگرانی درباره امکان بازنگری دولت‌های آینده را افزایش داده است. اگر یک دولت منتخب در آینده این توافق را غیرقانونی یا مغایر قانون اساسی بداند، شرکت‌های خارجی با ریسک لغو قرارداد مواجه خواهند شد.

> **چین و روسیه طی سال‌های گذشته از دولت مادورو حمایت سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌کردند و ونزوئلا را یکی از نقاط مهم حضور خود در آمریکای لاتین می‌دانستند و حال توافق تازه، اگر به تثبیت کنترل اقتصادی آمریکا بر بخش بزرگی از منابع نفتی منجر شود، عملاً بخشی از نفوذ پکن و مسکو را محدود می‌کند**

اعتراض‌ها همچنین ریشه اقتصادی دارند. مردم ونزوئلا سال‌ها شاهد بوده‌اند که نفت فراوان الزاماً به رفاه عمومی منجر نشده است. خاموشی‌های مکرر، فرسودگی شبکه آب و برق و فقر، شکاف بزرگی میان ظرفیت کشور و زندگی روزمره مردم ایجاد کرده است. بنابراین وعده درآمدهای میلیارد دلاری زمانی قابل باور خواهد بود که اثر آن در اشتغال، خدمات عمومی و زیرساخت دیده شود.

نگرانی روسیه، چین و اعراب از تغییر موازنه

واکنش روسیه و چین به این توافق را باید در چارچوب رقابت ژئوپلیتیکی با آمریکا تحلیل کرد. مسکو طی سال‌های گذشته از دولت مادورو حمایت سیاسی، اقتصادی و امنیتی کرده و ونزوئلا را یکی از نقاط مهم حضور خود در آمریکای لاتین می‌دانست. توافق تازه، اگر به تثبیت کنترل اقتصادی آمریکا بر بخش بزرگی از منابع نفتی منجر شود، عملاً بخشی از نفوذ روسیه را محدود می‌کند.

چین وضعیت پیچیده‌تری دارد. پکن سال‌ها با ونزوئلا روابط انرژی و مالی گسترده برقرار کرده و نفت این کشور یکی از مؤلفه‌های مهم حضور اقتصادی چین در آمریکای لاتین بوده است. حتی در برخی میادین مورد مذاکره آمریکا، پیش‌تر شرکت‌های چینی حضور داشته‌اند. بنابراین افزایش کنترل آمریکا می‌تواند منافع تجاری چین را تحت فشار قرار دهد.

کشورهای عربی نیز احتمالاً توافق را از دو زاویه دنبال می‌کنند. کشورهای تولیدکننده نفت، به‌ویژه اعضای اوپک، نگران افزایش سریع تولید ونزوئلا و اثر آن بر توازن بازار جهانی هستند. اگر تولید این کشور از حدود ۱.۲۵ میلیون بشکه به سطوح بالاتر برسد، عرضه اضافی می‌تواند بر قیمت‌ها فشار وارد کند و محاسبات تولیدکنندگان بزرگ را تغییر دهد. در عین حال، برخی کشورهای عربی نزدیک به آمریکا ممکن است توافق را نمونه‌ای از پیوند دوباره سیاست انرژی و امنیت آمریکا بدانند و از تقویت عرضه نفت در بازار جهانی استقبال کنند.

در نهایت، توافق ونزوئلا و آمریکا فقط یک قرارداد انرژی نیست؛ بلکه آزمونی برای آینده سیاسی کاراکاس، جایگاه آمریکا در نیمکره غربی و رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر منابع انرژی است. اگر سرمایه‌گذاری خارجی واقعاً تولید و درآمد عمومی را افزایش دهد، رودریگز می‌تواند آن را دستاوردی اقتصادی معرفی کند. اما اگر بخش اصلی منافع به شرکت‌های آمریکایی برسد و مردم ونزوئلا سهم ملموسی از ثروت نفتی نبینند، این توافق می‌تواند به نماد تازه‌ای از وابستگی تبدیل شود.

خبر

رئیس‌جمهور فنلاند:

روسیه توان حمله به ناتو را در شرایط کنونی ندارد

الکساندر اشتوب، رئیس‌جمهور فنلاند، در گفت‌وگویی با نشریه آلمانی بیلد، درباره احتمال تقابل نظامی روسیه با ناتو اظهار داشت که در حال حاضر هیچ نشانه‌ای دال بر وقوع چنین جنگی دیده نمی‌شود. او تصریح کرد: «فکر نمی‌کنم روسیه هرگز بخواهد به قدرتمندترین ائتلاف نظامی جهان، یعنی ناتو، حمله کند» شتوب گفت که این ارزیابی را بر مبنای دو عامل مطرح می‌کند: نخست، دسترسی به اطلاعات و گزارش‌های امنیتی و دوم، قدرت بازدارندگی ناتو که به ادعای او «از هر قدرت نظامی دیگری در جهان قوی‌تر است» و مدعی شد: «این بازدارندگی متکی بر نیروهای متعارف، موشک‌ها و تسلیحات هسته‌ای است. هیچ قدرتی در جهان دلیلی برای آزمودن اراده این ائتلاف ندارد» رئیس‌جمهور فنلاند در پاسخ به این پرسش که چرا اینقدر مطمئن است روسیه به ناتو حمله نخواهد کرد، گفت: «هرگز نمی‌توان در این دنیا درباره هیچ چیز صددرصد مطمئن بود اما صادقانه بگویم بر اساس همه آنچه می‌بینیم، می‌خوانیم و درباره‌اش گفت‌وگو می‌کنیم، در حال حاضر چنین چیزی را مشاهده نمی‌کنیم» او دلیل اصلی این وضعیت را درگیربودن ارتش روسیه در جنگ اوکراین دانست و ادعا کرد: «نیروهای روسیه در اوکراین زمین‌گیر شده و در حال حاضر عملاً با کمبود نیرو مواجه‌اند. آنها در دنیایی که به طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شود، سربازان کمتر و کمتری دارند. به سادگی نمی‌توانم تصور کنم که ناگهان در دو جبهه دست به بسیج نیرو بزنند» شتوب همچنین در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره احتمال استفاده روسیه از سلاح هسته‌ای ابراز تردید کرد و گفت: «روسیه از سلاح هسته‌ای استفاده نخواهد کرد.» او در توضیح این موضع به دیدارش با وزیر امور خارجه چین اشاره کرد و افزود: «وقتی وزیر خارجه چین به دیدنم آمد، این موضوع را با او مطرح کردم. او گفت: «ما هرگز اجازه نخواهیم داد چنین اتفاقی بیفتد.» به نظر من این یک عامل بازدارنده بسیار خوب است». ئیس‌جمهور فنلاند در عین حال بر لزوم حفظ کانال‌های دیپلماتیک با مسکو تاکید و اظهار کرد: «مطمئنم به روزی نزدیک می‌شویم که برای اروپایی‌ها مفید خواهد بود تماس مستقیم‌تری با روسیه داشته باشند.

خبر

رئیس‌جمهور لبنان:

سلاح مشروع باید در انحصار دولت بیروت باشد

رئیس‌جمهور لبنان در آستانه چهل‌وهشتمین سالگرد ناپدید شدن امام موسی صدر، بار دیگر بر انحصار سلاح در دست دولت و گسترش حاکمیت ارتش لبنان بر سراسر خاک این کشور تاکید کرد. جوزف عون روز گذشته (یکشنبه) در بیانیه‌ای به مناسبت چهل‌وهشتمین سالگرد ناپدید شدن امام موسی صدر و دو همراهش، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین، بر «گسترش حاکمیت ارتش لبنان بر سراسر خاک این کشور در راستای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ و تضمین حاکمیت کامل لبنان» تاکید کرد. این بیانیه در آستانه سالگرد ناپدید شدن امام موسی صدر در ۳۱ اوت ۱۹۷۸ منتشر شده است. عون در بخشی از اظهارات خود، موضع دولت لبنان درباره انحصار سلاح را به دیدگاه‌های امام موسی صدر درباره نقش دولت در حفاظت از جنوب پیوند زد. رئیس‌جمهور لبنان تاکید کرد: «لبنان بار دیگر بر پایبندی کامل خود به انحصار سلاح مشروع در دست دولت لبنان تاکید می‌کند.» او همچنین خواستار بسط اقتدار ارتش بر سراسر خاک لبنان در راستای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شد. عون در ادامه با اشاره به دیدگاه‌های امام موسی صدر درباره دولت و جنوب لبنان گفت این رویکرد «دقیقا همان چیزی بود که امام صدر برای آن تلاش می‌کرد؛ دولتی که از شهروندان خود محافظت کند و جنوب را در برابر خطر تنها نگذارد». در بخش دیگری از این بیانیه، رئیس‌جمهور لبنان تصریح کرد: «سلاحی که از سرزمین محافظت می‌کند، تنها سلاح قانونی دولت است و امنیت، مسئولیتی ملی و همگانی است که نمی‌توان آن را به یک گروه خاص محدود کرد». عون همچنین بر تصویری از دولت لبنان تأکید کرد که قرار است بر تمام خاک کشور حاکمیت داشته باشد و جنوب را تحت حفاظت نیروهای رسمی قرار دهد. او گفت لبنان در مسیر تحقق یک دولت قوی و عادل و جنوبی که توسط ارتش و نیروهای امنیتی آن محافظت شود حرکت می‌کند. این در حالیست که دیروز (یکشنبه) خبرنگار روسیا الیوم گزارش داد که توپخانه اشغالگران شهرک‌های میفادون، تولین، منصوری و وادی السلوقی و همچنین منطقه بین بیت یاحون و برعشیت را گلوله‌باران کرد. همزمان، نیروهای اسرائیل بمب‌های فسفری را به سمت مجاورت ارتفاعات علی‌الطاهر پرتاب کردند.

تغییرات گسترده در فرماندهی نظامی کره شمالی

رسانه‌های دولتی کره شمالی گزارش داده‌اند که کیم جونگ اون، رهبر این کشور، در چارچوب تغییرات گسترده در فرماندهی نظامی، وزیر دفاع را برکنار و چند مقام ارشد نظامی را جابه‌جا کرده است. در ادامه این گزارش آمده است: نو کوانگ چول نه تنها از سمت وزیر دفاع برکنار شد، بلکه در رهبری حزب حاکم به «معاون اول سازمان صنعت مهمات» تغییر رتبه داد. کیم سونگ گی مدیر دفتر سیاسی عمومی ارتش کره نیز به عنوان وزیر دفاع جدید کره شمالی منصوب شد. پاک جونگ چون مشاور دفاعی دیگر نیز به‌عنوان معاون رئیس کمیسیون مرکزی نظامی و رئیس دفتر سیاسی حزب حاکم منصوب شد. خبرگزاری مرکزی کره شمالی در گزارشی دیگر اعلام کرد که کیم در مراسمی در ۲۹ آگوست از دانشمندان، محققان و مقامات به خاطر پیشرفت‌هایشان در فناوری دفاعی قدردانی و به آنها بالاترین نشان‌های ملی را اعطا کرده بود. این تغییر در رهبری کره شمالی اندکی پس از پایان رزمایش‌های مشترک سالانه بین کره جنوبی و آمریکا انجام شد. این رزمایش‌ها که پیونگ یانگ مرتباً آنها را محکوم رده و بخشی از آمادگی برای حمله در نظر می‌گیرد، در سال ۲۰۲۶ و به دستور دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا متوقف شد. ترامپ از این رزمایش‌ها به عنوان اقدامی تحریک‌آمیز علیه کره شمالی انتقاد کرد و سئول را به دلیل عدم حمایت از جنگ (تجاوزکارانه) علیه ایران مورد انتقاد قرار داد. رئیس جمهور آمریکا همچنین از رهبر کره شمالی که در طول دوره اول ریاست جمهوری خود دو بار با وی ملاقات کرده بود، تمجید و اعلام کرد که به دنبال دیدار جدیدی با رهبر کره شمالی است.

نشست گروه ۲۰ زیر سایه فشار اقتصادی آمریکا بر ایران

قرار است وزرای دارایی و روسای بانک‌های مرکزی کشورهای «عضو گروه ۲۰» روزهای دوشنبه و سه‌شنبه (۹ و ۱۰ شهریور) در شهر اشویل در ایالت کارولینای شمالی تشکیل جلسه دهند. یک مقام وزارت دارایی آمریکا به بی.بی.سی گفت واشنگتن در نشست اشویل بر اهمیت پایبندی اعضای «گروه ۲۰» به تحریم‌های آمریکا علیه ایران تأکید خواهد کرد. براساس این گزارش انتظار می‌رود که اسکات بسنت، وزیر دارایی آمریکا در دیدارهای دوجانبه با همتایان خود مستقیماً درباره اجرای برنامه فشار اقتصادی بر ایران رایزنی کند؛ هرچند مشخص نشده است که آیا چین نیز در فهرست دیدارهای او قرار دارد یا خیر. چین بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است و اعمال فشار بر آن می‌تواند روابط واشنگتن با پکن را بیش از پیش پیچیده کند. بسنت بارها هشدار داده که ادامه تجارت با ایران برای شرکت‌ها، نهادها و کشورها مجازات دارد از جمله محرومیت از دسترسی به نظام دلار. آمریکا گفته است که تیم‌هایی از وزارتخانه‌های دارایی، خارجه و دفاع ایالات متحده در حال رایزنی با دولت‌های سراسر جهان هستند و برای پایان دادن به فعالیت‌های مرتبط با ایران مهلت مشخصی تعیین می‌کنند. «گروه ۲۰» شامل ۱۹ کشور به همراه اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقاست و با هدف تقویت ثبات اقتصادی و مالی جهان شکل گرفته است. آفریقای جنوبی امسال و در دوره ریاست آمریکا بر «گروه ۲۰» از این گروه کنار گذاشته شد و واشنگتن از لهستان برای حضور در این نشست دعوت کرده است.

جهان نما

گزارش نیویورک تایمز:

ترکیه و اسرائیل چقدر به جنگ نزدیک هستند؟

نیویورک تایمز در گزارش جدید خود درباره مناعه ترکیه و اسرائیل می‌نویسد که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، در سال‌های اخیر بارها اسرائیل را «دولت تروریستی» خوانده، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، را با هیتلر مقایسه کرده و حتی احتمال مداخله نظامی ترکیه در داخل اسرائیل را مطرح کرده است.

در ادامه این مطلب آمده است: نتانیاهو نیز در مقابل، اردوغان را «دیکتاتوری یهودستیز» خوانده و اعضای دولت اسرائیل ترکیه را به حمایت از تروریسم و رفتار کردن همچون «یک دولت دشمن» متهم کرده‌اند.

این جنگ لفظی، آشکارترین نمود رقابت فزاینده میان ترکیه و اسرائیل است؛ رقابتی که تحلیلگران و مقام‌ها بیم دارند موجب تشدید بی‌ثباتی در خاورمیانه شود؛ منطقه‌ای که همین حالا نیز از جنگ‌ها و پیامدهای آن‌ها در سوریه، لبنان، غزه و ایران به‌شدت آسیب دیده است. ترکیه و اسرائیل هر دو متحد آمریکا هستند و روابط گرمی با دولت ترامپ دارند. با این حال، دو کشور که از ارتش‌های قدرتمندی برخوردارند و فعالیت نظامی آن‌ها در خارج از مرزهایشان نیز رو به افزایش است، در خاورمیانه، شاخ آفریقا و شرق مدیترانه، چشم‌اندازهای راهبردی متفاوتی را دنبال می‌کنند که آن‌ها را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد.

زیاد شدن رویکرد تهاجمی نظامی ترکیه و اسرائیل، به گفته ضیا مرال، مدیر مؤسسه مشاوره و پژوهشی ریسک «ریون» در لندن، به «رقابت و خصومت ژئوراهبردی اجتناب‌ناپذیر» میان دو کشور دامن زده است. او گفت این وضعیت لزوماً به معنای آن نیست که دو کشور در نهایت وارد درگیری مستقیم خواهند شد، اما هشدار داد که افزایش تنش، خطر محاسبه اشتباه را بیشتر می‌کند و اقدام نظامی محدود از سوی یکی از طرفین برای «فرستادن پیام» به طرف مقابل، «واقعاً، واقعاً می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد.»

اسرائیل هفته گذشته دقیقاً دست به چنین اقدامی زد؛ زمانی که یک پایگاه هوایی متروکه در شمال سوریه را بمباران کرد تا به گفته مقام‌های اسرائیلی، از استقرار قریب‌الوقوع نیروهای ترکیه در آنجا جلوگیری کند. سوریه میان اسرائیل و ترکیه قرار دارد و هر دو کشور این کشور را برای امنیت خود حیاتی می‌دانند. دولت‌های ترکیه و سوریه برنامه‌ریزی برای اعزام نیرو به این پایگاه هوایی را رد کردند. در این حمله کسی کشته نشد.

تام باراک، سفیر آمریکا در ترکیه و فرستاده ویژه این کشور در امور سوریه و عراق، در پیامی در شبکه‌های اجتماعی از این حمله انتقاد کرد و آن را «تشدید تنش غیرضروری» خواند و از ترکیه و اسرائیل خواست «گفت‌وگوی منطقی را بر وقوع حوادث نظامی بیشتر در اولویت قرار دهند». روابط ترکیه و اسرائیل همیشه تا این اندازه بد نبوده است. دو کشور برای مدت طولانی روابط دیپلماتیک و تجاری داشتند، هرچند گاه اختلافاتی میانشان شکل می‌گرفت که معمولاً به مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها مربوط می‌شد.

ترکیه نخستین کشور با اکثریت مسلمان بود که پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، این کشور را به رسمیت شناخت و نیروهای ترکیه نیز در جنگ‌های بعدی با اسرائیل مشارکت نکردند. ترکیه متحد آمریکا در ناتو است و اسرائیل نیز از حمایت نظامی گسترده آمریکا برخوردار است.

با این حال، دو رویداد اخیر موجب چرخش شدید و خصمانه روابط دو کشور شده‌اند. نخست، جنگ اسرائیل در غزه بود که در واکنش به حمله تحت رهبری حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد؛ حمله‌ای که حدود ۱۲۰۰ نفر را در اسرائیل کشت. مقام‌های ترکیه از نحوه جنگ اسرائیل در غزه انتقاد کردند و به‌طور مرتب نیروهای اسرائیلی را به ارتکاب نسل‌کشی متهم کردند. اردوغان نتانیاهو را «خون‌آشام خون‌آشام‌ها» خواند و حمایت خود را از حماس اعلام کرد؛ گروهی که اسرائیل، آمریکا و چندین دولت دیگر آن را یک سازمان تروریستی می‌دانند.

دومین رویداد، برکناری بشار اسد، دیکتاتور سوریه، در اواخر سال ۲۰۲۴ و تشکیل دولت جدیدی به ریاست احمد الشرع بود؛ فردی که پیش‌تر جهادی بوده و روابط نزدیکی با ترکیه دارد.

ترکیه با هدف تثبیت دولت شکننده سوریه، حمایت‌های دیپلماتیک و نظامی خود را از احمد الشرع ارائه کرده است. در مقابل، پس از سقوط اسد، حملات اسرائیل بخش بزرگی از تجهیزات نظامی سوریه را نابود کرد؛ اسرائیل دلیل این اقدام را بی‌اعتمادی به احمد الشرع اعلام کرد. اسرائیل همچنین بخش‌هایی از جنوب سوریه را اشغال کرده و می‌گوید هدفش جلوگیری از تهدیدهای فرامرزی از سوی شبه‌نظامیان اسلام‌گراست.

گالیا لیندن‌اشتراوس، پژوهشگر ارشد مؤسسه مطالعات امنیت ملی در تل‌آویو، گفت حمله تحت رهبری حماس در سال ۲۰۲۳ رویکرد اسرائیل نسبت به منطقه و ترکیه را شکل داده است و گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم تهدیدها رشد کنند؛ از همان ابتدا با آن‌ها مقابله می‌کنیم.» به گفته او، «این دکترین اصلی امنیتی اسرائیل است و باعث می‌شود اسرائیل آمادگی بیشتری برای پذیرش ریسک داشته باشد و تمایل کمتری به راه‌حل‌های سیاسی و سازش نشان دهد».

او گفت: «وقتی با بازیگری مواجه هستید که هم توانمندی دارد، هم به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کند و هم آمادگی خود را برای به‌کارگیری نیروهایش در خارج از مرزهایش نشان می‌دهد، نادیده گرفتن چنین بازیگری دشوار است.»